**نظر فروغی درباره تاریخ ایران**

**افشار، ایرج**

شرحی که در ذیل چاپ می‏شود کاغذی است از محمد علی فروغی(ذکاء الملک)که از استانبول به مرحوم محمد قزوینی در سال 1928 میلادی نوشته و سواد ماشین شدهء آن در اختیار مرحوم سید حسن تقی‏زاده بوده است.آن را به یاد آن سه دانشمند فقید برای درج به مجلهء یغما تقدیم می‏کنم.ایرج افشار

سواد کاغذ آقای ذکاء الملک از اسلامبول در جواب استفساریکه آقای میرزا محمد خان‏ قزوینی از ایشان در خصوص تالیف تاریخی برای ایران نموده بودند-وارده در 14 آوریل 1928

در باب تألیف تاریخ ایران نظر آقای اعتماد الدوله چیست نمیدانم شاید هم شخصا نظر خاصی اتخاذ نکرده باشند و بناشان بر این باشد که برای سرکار یا بنده واگذار کنند در هر حال بعقیدهء بنده این کار خوب لازمی است و من خود همیشه در این فکر بوده‏ام اما گرفتاریهای‏ بیمعنی من تاکنون نگذاشته است برای اجرای این نیت فکری بکنم.اتفاقا در همین ایام‏ بخاطرم گذشت که چه خوب بود بنده و سرکار مجال پیدا میکردیم و مشترکا به تصنیف یک‏ تاریخ ایران میپرداختیم و اگر میتوانستیم برای تسریع و تسهیل امر بعضی جوابهای قابل از قبیل میرزا عباسخان اقبال و آقای مجتبی مینوی که فعلا غیر از این دو نفر هم کسی را نمیشناسم‏ کمک میگرفتیم.غرض این است که بنده آرزوی این کار را همیشه داشته و دارم،امااولا وقت و فرصت لازم دارد،ثانیا مخارج برای فراهم کردن اسباب کار.در هرحال اگر من سرم ببالینی قرار گرفت یعنی در یک نقطه مقیم شوم و شغلم بقدری شاغل نباشد که از اوقات عمر نتوانم به مصرف‏ کار تفننی برسانم حاضرم هرقدر ممکن شود در این کار شرکت کنم که کتابی در تاریخ ایران با معلومات حالیه و موادیکه سرکار جمع‏آوری نموده‏اید با روح و شیوه و سلیقهء که امروز دانشمندان‏ دنیا در تاریخ‏نویسی دارند تألیف شود و شرکت بنده هم ممکن است بطریق تحریر و انشاء و جمع‏آوری و تنظیم موادی باشد که سایر همکاران فراهم میکنند و هم خودم ممکن است بقدر مقدور در تهیهء مواد دخیل باشم.اما عقیدهء بنده در باب کم و کیف آن تألیف:

اولا اقسام نهائی را چه از طرف اجمال و چه از طرف تفصیل نفی میکنم یعنی نه بقدری‏ مقدماتی باشد که فقط بدرد مدارس ابتدائی یا مراحل اول مدارس متوسطه بخورد که این قسم را نوشته‏ایم و اگر بخواهیم تجدید کنیم و بهبودی دهیم حاجت باین تفاصیل نیست،و نه‏چنان مطول‏ و مفصل باشد مثل تاریخ فرانسه کک امثال میشله و ارنست لاویس و هانری مارتن نوشته‏اند چه آنهم‏ از عهده ما خارج است،زیرا که اولا عمر ما وفا نمیکند،ثانیا مواد آن حاضر نیست و بعقیدهء من‏ قبل از آنکه کسی اقدام بچنان تألیفی بخواهد بکند باید مدت زمانی دوایر دولتی یا مجامع‏ علمی مقدمات فراهم سازند در همهء ولایات گردش کنند و مواد تاریخ ایران را از نوشتجات و اسناد و آثار جمع‏آوری نمایند و در لغات و رسوم و آداب و عقاید و کیفیات جغرافیائی و نژادی‏ اخلاقی و مذهبی و غیره تحقیقات و مطالعات بعمل آوردند بلکه این تحقیقات و مطالعات را بولایات مجاور ایران نیز بسط دهند،و ضمنا کاوشهای زیرزمینی هم تکمیل شود،چون این کارها یک اندازه صورت گرفت پس از پنجاه یا صد سال شاید یکنفر یا چند نفر بتوانند تاریخ ایران کامل‏ مفصلی تألیف کنند.

از این دو قسم یعنی حد اعلای اجمال و غایت قصوای تفصیل که صرف‏نظر کنیم در درجات‏ متوسطه که مقدور و بعقیدهء مقنضی است باز دو قسم را در نظر بگیریم یکی باندازهء که بکار مجصلین مدارس عالیه یا مراحل آخری مدارس متوسطه بخورد دیگری آنکه نظر بمحصلین‏ نداشته باشیم و بخواهیم آنچه امروزه با وسایل موجوده که بران مقتدریم در بقیهء عمریکه‏ ممکن است برای ما مانده باشد صورت دهیم.این دو قسم هرکدام محسناتی دارد و شایستهء اقدام است بنده شخصا هردو قسم را اگر میسر شود ترجیح میدهم اما از قسم اول هم ابا ندارم‏ چون امید بانجام آن بیشتر است.

قسم دوم مدت زیاد میخواهد و تحدید آن زمانا و کما و حجما مشکل است و اگر بآن‏ اقدام بکنیم باید بر خود مخمر کنیم که اگر عمر ما وفا نکرد ناقص بماند و ظهوری نکند آنرا هم‏ دو طریق ممکن است صورت داد یکی آنکه بخواهیم در عقاید و آرائی که اختیار میکنیم مباحثه‏ و استدلال کنیم و اسناد و مأخذ بدست بدهیم البته این قسم خیلی مفصل و مطول‏تر میشود و وقت‏ زیادتر لازم دارد.قسم دیگر اینکه در مباحثه و استدلال و ذکر مأخذ و اسناد بقدر حد ضرورت‏ اکتفا شود و در اینصورت آنچه از حالا میتوان تخمین زد که ممکن است محل شبهه هم باشد گمان میکنم اگر مثل کتب مطبوعهء اوقاف گیب چاپ کنند سه هزار صفحه از صفحات آن‏ کتاب بشود.

اگر قسم اولرا اختیار کنیم بین یکهزار و دو هزار صفحه از آن صفحات خواهد شد.

مدت تألیف آنهم بسته است با وقاتی که شخص بتواند بمصرف آن برساند وعدهء همکارانی که‏ داشته باشیم.در هرحال گمانم این است که چهار پنج سال کمتر نشود بلکه عقیده‏ام این است که‏ اگر در پنج سال تألیف آن انجام بگیرد خوبست.و اما اگر این خیال جدی شد و بخواهیم‏ بکنیم لازم است که اول با یکدیگر ملاقات کنیم و مفصلا باهم طرح بریزیم و کم و کیف و تقسیم‏ کار و وسایل و غیره را بسنجیم و قرارمدار بدهیم،و اگر بشود که چنین کاری بکنیم تصور میکنم که‏ بتوانیم اثر نفیسی بیادگار بگذاریم بلکه عقیده‏ام این است که اگر وزارت معارف و دولتهم‏ درصدد برنیایند و خودمان بتوانیم بکنیم خیلی خوبست اما آیا روزگار خواهد گذاشت؟